

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۸ اردی بهشت ۱۳۲۰ هـ

مهرست مطالب :

۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - انتصاب دو نفر ناظر برای ذخیره اسکناس
۳ - بقیه شور اول لایحه بیهاریهای آمیزشی از ماده ۶ تا ماده ۱۶

۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - انتصاب دو نفر ناظر برای ذخیره اسکناس
۳ - بقیه شور اول لایحه بیهاریهای آمیزشی از ماده ۶ تا ماده ۱۶

مجلس یک ساعت پیش از ظهر برباست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۹ اردی بهشت ماه را آقای (طوسی) منشی خواندند. هـ

رئیس - عدم حاضر ۱۰۴ نفر اخذ آراء بعمل میآید.
(اوراق رأی جمع آوری شد)

رئیس - آقایان جرجانی - دکتر سمیعی - مؤیدلایبی
جزء ثانی و شیرازی با اتفاق آفای تبیل سمیعی استخراج
آراء خواهند کرد.

(۳ - بقیه شور اول لایحه بیهاریهای آمیزشی از ماده ۱۶ تا ۶)
رئیس - بقیه لایحه بیهاریهای وا کبر دار و آمیزشی
برای شور اول مطرح است. ماده ششم خوانده میشود :

۱ - تصویب صورت مجلس
رئیس - در صورت مجلس نظری ایست (گفته شد - خبر)
صورت مجلس تصویب شد.
(۲ - انتصاب دو نفر ناظر برای ذخیره اسکناس)
رئیس - انتصاب دو نفر ناظر ذخیره اسکناس بانک
ملی بعمل میآید. پدوا پنچنفر بقعه برای نظارت در
استخراج آراء معین میشود.
(اقتراح بعمل آمده آقایان: جرجانی - دکتر سمیعی -
مؤید لایبی - جزء ثانی و شیرازی معین شدند)

(مطابق قانون ۴ آذر ۱۳۱۵ هـ)

هـ عین مذاکرات مشروح نمود پنجمین جلسه از دوره دوازدهم قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غالبین با اکثره - آقایان : دکتر ملک زاده - جلالی - فاطمی - نواب پردی - اورنگه - دکتر سنگ - عطیه الله پاپیری
خواجہ نووی - نبوی - محمودی غراسی - ملک مدنی .
غالبین بی اکثره - آقایان : نیک پرو - پامی - سلطان - کیوان .
دیر آمدکن با اکثره - آقایان : نوبخت - صدر .
دیر آمدکن بی اکثره - آقایان : دکتر سمیعی - لیلوی - نقابت - مؤید .

ماده ۶ - ولی یا سرپرست صغیر یا دیوانه مکلف است که در درمان صغیر یا دیوانه که تحت سرپرستی آنها میباشد اقدام کند چنانچه ولی یا سرپرست در فراهم نمودن وسائل درمان مساعده نماید و بیماری صغیر یا دیوانه بحال سرایت باقی نماند ولی یا سرپرست پنجس از هشت روز تا یکماه و یکپنجاه روز از پنجاه تا پانصد روال محکوم میشود.

رئیس - آقای اوار.

انوار - این ماده در کمیسیون هم صحبت شد و یکتفر از همکاران کمیسیون اظهار داشتند بنده هم در اینجا عرض کردم که این کفیری که برای ولی یا سرپرست قرار داده شده است نسبت باین عمل این کفیر کم است حالا اصل موضوع این است که یکتفر از آقایان فرمودند که ما در عدلیه دیدیم که قلم کم پیدا میشود و اینکه سرپرستینیا نمیتواند باینکه مثلاً کسی بپست که ملاحظه کنند سرپرست باشد یا ولی باشد فرحاً این حرف درست باشد باعث نمیشود که ما ببایم حق یک صغیر یا دیوانه ای را یا ما بکشم باید وزارت دادگستری مکلف باشد که به این قلم اگر معین ننماید مسئول کار خودش است ما باید ببینیم برای ولی صغیر یا سرپرست سابقه یا دیوانه در مقابل عمل نکردن یکتفر خودش کم کفیر قرار دهیم و جریمش را اخلاقی قرار بدهیم چرا به این که قلم کم پیدا میشود ۴ ماده این است که صغیر یا دیوانه یا سقیه که تحت سرپرستی ولی هست دارای ناقصی سرایت کننده است که جان را بحدود میزند و باعث می شود سبب از این است که ما ببایم و این تکلیف را خیلی کم بیان کنیم آن کسی که مکلف است در حفظ صغیر یا سرپرست یا قلم او باید مکلف و ملزم باشد و در تلف او غلب بزرگی باشد که حتماً عمل بکند و نگذارد صغیر از بین برود و مرشش سرایت کند. عبارت این است که اگر ولی یا سرپرست نسبت به وجود صغیر یا سبکیه که تحت قیمومت اوست در مداوا کردن او مساعده نکند که این مرش و سبکیه

یا مولی علیه باقی بماند کفیرش هشت روز تا یکماه است و جزای نقدی از پنجاه الی پانصد روال است. بنده نظر نمایم است که ملاحظه اینجا باید ملاحظه فلفلسوی و عدم سربایت مرش و اینکه کاملاً بداندند که ما مین اہم امروز در واقع مجرم دوم برای عدالت کردن این امران سربایه که در محکمت بود است این است که کفیر ها و غلب هارا خیلی شدید میکنیم تا بداندند که تکلیف چیست اینجا حبس هشت روز تا یکماه معین شده بنده پیشنهاد میکنم که آقای وزیر هم توجه بفرمایند مطابق نظامنامه ای که ما داریم پیشنهاد در دوران که میشود بیرون بکمیسیون و در دوران جواب ندادند و در کمیسیون بحث میکنند آنوقت اکثریت چه کدام واقع شد رأی میدهند باینکه بپردازد باینکه دستور اول پیشنهادی در پیشگاه مجلس شد جو باید بداندند این است که بنده پیشنهاد کردم اگر ولی یا سرپرست صغیر مساعده در مداوا کند از دو ماه تا شش ماه و از سیمید روال تا هزار روال کفیر داشته باشد مابین فشار بیابوریم و عملی کنیم باینکه مساعده و سستی کنیم و به انشاء الله درست میشود فردا بهتر میشود و پس فردا درست میشود بگذارد باین خبر آقا اینطور کار درست میشود این هم پیشنهاد بنده.

(نقار) - محترم کمیسیون دادگستری - در جواب بیانات آقای اندوار مختصر جواب نقابلی از طرف بنده خدمتشان تقدیم میشود و آن این است که خود کفیر سن یا سوابق قلمی انوار اقتضا دارد که خیلی در تشدید کفیر ها جدی باشند ولی بجمعاً فرای ایشان بقدری خبر است که حقیقت جالبیت و شدت در عمل میفرمایند ولی یک قدری توجه بفرمایند در امور کفیری عملی را که انشاالله سرکب میشوند ممکن است مشمول مقررات یکی از مواد قانون کفیری باشد یا دارای نحوه های مختلف کفیر باشد مثلاً کسی سرکب مذوری شود سرافرازات مذوری داده میشود ممکن است شب باشد روز باشد مقرون یا آزار باشد قتل بشکند در شکند آنوقت باینبار تعریف مدلی با عنوان نفس عمل یا چیز های دیگر مجازات میشود حالا ولی یا سرپرست

اگر یک مساعده ای در عمل بکند که موجب شود که آن محکوم شده از دچار یک زمانی شود باید بداندند محارم چه نحوه از اعمال است اگر بر طبق مقررات کفیران صغیر هشت آن مجازات ها در باره او اعمال میشود در نظر اینکه مساعده کرده است اینقدر هم مجازات قائل میشود آنوقت یک فرمول و دستوری دارد در اجرا بکوت است که چند جرم دستبندی شده آنوقت آن جرمی که دانسته باشند معین میشود و اگر تکرار کرده باشد مجازات زیادتر میشود و جرم زیادتر میشود یک مقرراتی دارد بنا بر این نمیشود صرفاً گفت این غلبی که اینجا معین شده کم است و خوب است یک مجازات سخت تری معین شود تا اینکه انشاالله جدی شود و در کمیسیون هم صحبت شد اول کم کنتر از این بود بنا به پیشنهاد آقای اوار و روی رعایت احترام پیشنهاد ایشان تشدید موضوع بیشتر شد و حالا صور میکنم باز هم کافی است ولی با وجود این نظری که ایشان دارند و پیشنهاد داده اند برای شور دوم در کمیسیون مورد بحث واقع خواهد شد.

رئیس - پیشنهاد آقای اوار بکمیسیون رجوع میشود. آقای دکتر طاهری:

دکتر طاهری - بنده دیگر عرض ندارم.

رئیس - آقای اعتنار.

اعتنار - بنده در این ماده موافق هستم فقط میخواستم عرض کنم که اگر موافقت بفرمایند رئیس خانواده در هم سرپرست در این ماده بیفزایند چون هر خانواده ای که رئیس و سرپرستی دارد خانواده اش شامل دایه و گفت و غریه هم هست بهتر میتوان این نظریه را انجام بدهد و از مرش کسان خودش جلوگیری بکند و برای سراجیه بزرگ هم چون مجازاتی برای اینکار مقرر شده بهتر میشود او را آگاه کند و نظر بنده اگر موافقت بفرمایند سرپرست ندارد (هائمی) - محترم کمیسیون - سرپرست قانونی غیر از سرپرست او در خانواده است از نظر نظر مدلل و معجزین قانون یک سرپرست هائی معین نمیشوند که غیر از آن

است مثلاً پیشنهاد خوبی است پیشنهاد بفرمایند. رئیس - ماده هفتم:

ماده ۷ - بپدری و موافقت است انشاالله را که بنسبت پند خود کن است باعتنا بشار بپدری آموزی شود مکلف کند که در روزهای معین در یکماههای مخصوص بپدری یا نزد بزرگانی که بپدری معین نمیشاید برای معین حاضر شود و در صورتیکه تفصیح شود بپدری آنها در مرحله و اوگری است از ادامه پیشه منوع و ما وقتیکه کوهائی بنده است که بپدری آنها قابل سرایت نیست چنانچه بدون تحصیل پروانه عدم امکان سرایت باشد بخود ادامه دهند بهشت روز تا دو ماه حبس ناآبسی ۵۱ تا پانصد روال و یا بیکسی از این دو کفیر محکوم میشود. رئیس - ماده هفتم:

ماده ۸ - اداره کل بپدری مکلف است برای مبارزه با انتشار بیماریهای آمیزی بر طبق این قانون آیین نامه و مقررات لازم وضع نماید.

مجلس - بنده در ماده هفت پیشنهادی کرده بودم.

رئیس - پیشنهاد شما بکمیسیون رجوع میشود. مجلس - استدعا میکنم اسر بفرمایند بتوانند.

(شرح زیر خوانده میشود)

پیشنهاد میکنم بصره زیر ماده ۷ اضافه شود.

بخصوص - مقرر شد بر بزرگانهای عمومی مثال کر مایه ها و مهمانخانه ها و معارف های غذا فروش و نظائر آن اگر کارگر که مرضی را با علم به موضوع فکر بگیرد بهشت روز تا دو ماه حبس ناآبسی و ۵۰ تا ۵۰۰ روال و یا بیکسی از این دو کفیر محکوم میشود. مجلس.

رئیس - پیشنهادی هم آقای اعتبار کرده اند.

در ماده ۶ پیشنهاد می کنم در اول ماده اضافه شود

رئیس هر خانواده و ولی الی آخره - اعتبار

رئیس - بکمیسیون رجوع می شود. ماده نهم قرائت

می شود

ماده ۹ - هر کسی بداند بمشلا به بیماری آمیزی

واکیر بوده و یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واکیر است و بواسطه آمیزش او طرف مقابل مبتلادود و بهر ارجح فغانی شکایت کند مبتلا کنند به حسب تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم می شود

تعقیب فقط در مواردی انجام می گیرد که خواهان خصوصی در بدین باب و در صورتی که خواهان خصوصی شکایت خود را منتهی دارد تعقیب و همچنین اجرای کبر موقوف می شود

و لیس - آقای انوار

اخوان - در این ماده يك عبارتی هست که در کمیسیون هم عرض کردم حلاله بازنه این است که ایراد داشته باشم بلایی این عبارت يك جور است که در واقع باعث گریانی است و متوجه می شود که بابت این اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که حدس بزند بیماری او را گریانی این شخص غلب را مترتب می کند بر فعل خود این که می گوید ناخوشی او همچو باشد که حدس بزند این فعل متعلق می شود می گوید من حدس بزنم چه عرض می کنم عبارت باید طوری باشد که مرعی باشد بیماری بایستی حدس بزند این یعنی چه ؟ هیچ وقت کسی همچو حدسی نیز در بر فرض هم که حدس بزند چون غلب دارد می گوید من حدس بزنم ، بایستی اوضاع و احوال طوری باشد که حدس بزند مراد او و گریاست در این مورد غلبه این است که حبس می کنند ، بنده خواستم عرض کنم که (بایستی حدس بزند) را بر دارند نویسنده اوضاع و احوال او طوری باشد که گواهی دهد نه اینکه تکلیف او بار بر خودش بکنیم بگوئیم خودش حدس بزند این هیچ وقت متعلق می شود مگر اینکه يك جور بیان کنند که من بفهم

ولیس - آقای ارحدی

اوحدی - جلالت خیر این ماده هم عظمت آثار این لایحه را از بین میبرد زیرا که در صدر این ماده مرصعاً

که این حقیقه شخصی است که وضعیتش اجازه میدهد است که بپایند و بنفهم که خودش مرضی است یا نه یعنی این حرف از او قبل شنیدن هست یا نه ؟ اوضاع و احوال خارجی را تکلیف از قصد و علم و ثبت و اطلاع او دانستند و این را ضابط و ملاک تشخیص قرار می دهند . در مقام محاکمه مثلاً آدم یهودی چیزی بنویسد بعد بگوید بنده ندانسته نوشتم یا ندانسته امضا کردم این را ممکن است از این قبول کرد که چون بی سواد بوده نتوانده امضا کرده بوده و بنفهمیده بوده است ولی يك آدم با سواد مطلع و تحصیل کرده بگوید من نتوانده و ندانسته امضا کردم و ندانسته نوشتم این حرف از او - معنی است و وضعیت این یکس با آن دیگری فرق دارد و طوری است که علم او ضابط و ملاک تشخیص است نه این که حدس زدن موجب مجازات خواهند شد بنا بر این راهی هم جز این نیست که علم را ملاک قرار دهیم که بر این کمی مدعی می شود علم ندانسته و ما بر این گفت موضوع وسیله نداریم این وسیله قاعده درست ما داد است يك آدم مدعی است مرضی است هر روز رنج و تعب می کشد بد شهر و بین يك جامعه زندگی می کند و می داند و باید حدس بزند مرضی است و در این مدت سر جامعه می گرداند که فرقه است حاکم است که دانسته ترقه است و اشکالی از این حیث نیست اما آن قسمتی را که آقای اوحدی تذکر دادند که این تعقیب و سرف نظر کردن ذاک شخصی از بین بیرون این قسمت در حقیقت يك درجه امتحان و يك سوپایست از برای این ماده زیرا بقول آقای انوار ما مشکل کردیم کار را که اگر وضعیت او اجازه دهد و حدس بزند مرضی است قابل تعقیب است و باید این شدن يك ملازمی هم داشته باشد تا آن نظام و تعادل باقی و محفوظ بماند و آن این است که بشکایت مدعی خصوصی رفع شود تا آنکس که دچار این مرض می شود ، بیمار یا مجروح می شود در اثر آن از برای او يك حق قائل شد . و يك حقی اساساً ایجاد شده است که این که جامعه هم در این مورد چاره جبهه دار می شود از لحاظ جنبه عمومی اما جنبه خصوصی این جا فرق

نمیکنند این را اگر با چنان بکار مجروح کرده باشد و اگر نایست روز مرض او ادامه پیدا کند یا قاعده ما هم در علم حقوق که اگر نایست روز ادامه پیدا کرد و از آن هم تجاوز کرد در این مورد دیگر با کسبیت مدعی خصوصی قابل کسبیت نیست و جنبه عمومی آن افریست و قابل تعقیب خواهد بود پس چون ما این قواعد را داریم این جا هم بقاعده و بنا بر این یکسانی کنیم می بینیم کسی که دیگری را مرضی کرده آیا طوری است که مرض خیلی سخت است آن وقت روی این ماده تفاوت نمی کنیم و میبرد روی آن مقررات کلی و عمومی یکبار کسی که آیا کسی که در نتیجه جرح عمد یا در نتیجه عدم جرح عمد ازین رفته است و مرده است و عدل موجب تلف شدن یا از بین رفتن اعضاء و جوارحی شده است چه نوع یا او مامله می شود يك وقت است خبر جرحی رسیده و آگاه شده و فوراً هم رفته و در مقام معالجه بر آمده است این يك خصوصیات و بیست روز معالجه ندانسته خوب وقتی او صرف نظر کرد می گذرد . گذشته از آن این در مرحله شروع بکار است در بعضی نهایی خانواده کی باید مقدمه تا حدی در مورد این امرش و این قبیل مسائل این رعایت با را کرد که نظام و قاعده محفوظ بماند و يك اصولی هم نتورد بنابراین بنده خیال می کنم برای مرحله اول اجرای این قانون عینی ندارد و در مراحل بعد هم اگر هر آینه خواستید شدید بر مجازات بفرمائید اشکالی ندارد

ولیس - آقای معدل

معدل - بنده پیشنهاد کردم که اشخاص بد نام نتوانند مدعی واقع شوند و این قسمت در ماده ضمیمه شود و توضیح مختصری که در اطراف این موضوع میدهم این است که همانطور که بسلامت وصحت جسمی افراد مختلف منتظم همانطور هم بحفظ حیثیت و آبروی مردم هم متبذم (صحیح است) و باید مراعات این نکته بود تا يك اشخاص بدی پیدا نشوند و از این قانون نتوانند سوء استفاده کنند و مردم را بیازارند بنده هم عرض می کنم فرض کنیم که از داد گاه هم

حاجی آورد و جلوه داد اورا حکوم کتب آبا این چتر نیست که راهی پیش پای مردم بگذاریم که هر کس دایه بگیرد دایه را مکلف کند که برود و تصدیق از بهداری بگیرد که اگر کسی رفت و تصدیق را اخذ کرد یا تصدیق خلاف واقعی آورد و جلوه داد آنوقت اورا حکوم کتب.

هشتم کمیسیون کدکور - ماده یازدهم منظور ایشان را تأمین کرده است و اینکه راجع ب ماده هفتم مودت اشخاص بدنام سهوه استفاده میکنند این را باز بنده تذکر میدهم که این موضوع را قائل دویم اینجا بایک باب باز میشود.

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود.

ماده ۱۱ - هر شخصی که می خواهد طفلی را بدایه بیارد موظف است قبل از آنکه دایه بستان بدمن طفل بگذارد طفل و دایه را بواسطه مقتضی توسط پزشک امتحان نموده و گواهینامه بهداشتی بدست آورد که طفل با دایه مبتلایه سبب قیاس نبوده و عذاری متوجه طفل با دایه نیست در صورت تغلف با دایه هفت روز حبس و یا پنج تا پنجاه رمال کبیر نقدی محکوم می شود و در صورت ابتلاء طفل با دایه کبیر متخلف حبس تأبیدی از دو ماه تا ششماه خواهد بود.

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود.

ماده ۱۲ - هر گاه بهداری برچود کسی که مبتلای بهداری آمیزشی و اکبر است اطلاع یافت میتواند بواسطه مقتضی باز چولی کند که میبازمیشود در ممانعت بیاید یا و در صورت لزوم اختصار لازمه بندهای مذکور اگر بیمار در ظرف مهلت مفرد بدمران بر داخت اورا الزام بدمران نداید.

رئیس - ماده سیزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۳ - پزشکان آزاد و کلیه بنگاههای بهداری که مشابه و درمان بیماری های آمیزشی میباشند موظفند در آخر ماه عده بیماری های آمیزشی را که دیده اند بوفیلا پزشک دیگری مراجعه نموده اند بدون ذکر نام و مشخصات بیمار بهداری بفرستند.

طر بفارغشتان شماره بیماران بروجب آئین نامه ایست که بهداری کل تعیین خواهد کرد.

رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود:

ماده ۱۴ - پزشکان آزاد و کلیه بنگاههای بهداری که مشابه و درمان بیماری های آمیزشی را میباشند باید حتی المقدور بوسیله پرش از بیمارار گوش نمائند کانون سربایت بیماری را معین نموده و در موقع مقتضی بدون ذکر نام و مشخصات بیمار اطلاعات کافی برای تجسس و برطرف نمودن کانون انتشار بیماری بهداری مربوط بفرستند که اقدام لازم بعمل آید.

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود:

ماده ۱۵ - وزارت کدکور ضابطی را که این فصل قانون در آنجا باید اجرا شود معین خواهد کرد.

رئیس - ماده شانزدهم قرائت میشود.

فصل دوم - بیمارهای و اکبردار

ماده ۱۶ - آبله کوبی در دو ماهه اول ولادت و تجدید آن در ۲۷ سالگی ۱۳ سالگی و ملائق آئین نامه مخصوص اجباری است و اولیاء اطفال موظفند که برای آبله کوبی کودکان خود اقدام نمایند در موقع شیوع بیماری آبله بهداری کل آبله کوبی عمومی و اجباری را اسلام میباید و در این مورد کلیه پزشکان کدور موظفند تشخیصی را که برای این امر مراجعه میباشند بفرستند آبله کوبی نمایند مدیران دبستان و دبیرستان و آموزشگاهها و دانشگاهها در موقع ورود دانش آموزان و در مقامی که بهداری کل اعلام میباید کلیه بنگاههای ملی و دولتی و بازگانی در موقع استخدام کارمندان و ناگرد باید کواهی آبله کوبی مطالبه نمایند.

متخللین از این ماده و همچنین اولیاء اطفال چنانچه تا یکماه پس از آنکه بهداری آبله کوبی طفلی که تحت سرپرستی آنها است یا بتجدید مایه کوبی خود اقدام نمایند به الی هفت روز حبس و یا ۱۰۰ رمال کبیر نقدی محکوم خواهند شد.

رئیس - آقای دکتر جوان.

دکتر جوان - این ماده شانزدهم بنظر بنده یکی از مواد

هم این قانون است که اگر نوائی داشته باشد تقریباً میشود گفت که تمام قانون ناقص خواهد بود و از این جهت بنده معتقد هستم که چون موضوع آبله کوبی است که البته وقتی آیدس در باب کلی میشود و عمومیت پیدا میکند و عموم را در تعهد میکند هم بطور که دولت در نظر گرفته و در این قانون پیش بینی شده باید مقررات سختی باشد تا جلوگیری از شیوع مرض بشود در این ماده بنده معتقدم دستوروی که داده شده برای جلوگیری کافی است ولی قسم عمده از نظر حقوقی داده که اساس ماده را منظرل کرده و توجه مخصوصی را که دولت در جلوگیری این قبیل بیمارها دارد تقریباً بی اثر کرده است.

در ادامه دو قسمت برای آبله کوبی پیش بینی کرده یکی اینکه میکروبی اجباری است این خیلی صحیح است خصوصاً در مواردی که سری است یک قسمت هم اولیای اطفال را مجبور کرده است که در این موقع بایله کوبی اقدام کنند ابتداءه صحیح است مدیران دبستان و مدیران و متصدیان بنگاهها را هم مکلف کرده که ضمانت کواهی آبله کوبی از اطفال و کارمندان بکنند اینهم خیلی صحیح است بالاخره یک کبیر خلاقی هم برای تغلف آنها پیش بینی کرده خوب اینهم بد نیست صحیح است ولی قسمت دیگری مرض و آن این است که در موقع شروع آبله تمام پزشکان کدور مکلف هستند آبله کوبی عیالی را قبول نمایند یعنی وقتی در یک علی بایله کوبی پیدا شد و آبله عمومیت پیدا کرد تمام پزشکان کدور مکلف هستند آبله کوبی را بر ایشان قبول کنند ولی با وجود تمام اهمیت که این قانون دارد مجازات پزشکهای متخلف را (که اگر پیدا بشود) بقدری کم گرفته که املاً از اهمیت این قانون کشته می نورد پزشکی که در موقع شروع آبله را قبول درمان آن خودداری کند و تغلف از این قانون بکنند مجازاتش نه روز حبس خلاقی است چون جرایم در قانون البته بحد قسم متخلف شده خلاف و بزه کوچک و بزه بزرگ و جنایت در تمام کتب حقوقی

از نظر عامی عرفی برای هر یک از این بزه ها پیدا نموده اند فقط تعریفی که پیدا کرده اند مبکونست ما از روی مجازات می بینیم که آبا این جرم خلاقی است یا جنایت است یا جنایت اگر دیدیم کبیر نقدی است این جرم را میگوئیم خلاقی است وقتی دیدیم دو ماهه است میگوئیم این بزه کوچک است و بالاخره بزه بزرگ و جنایت از روی کبیر معلوم میشود خلا این قانون با این اهمیت که دارد و این وسیله خوبی که دولت و بهداری پیش بینی میکنند که هر وقت آیدمی میشود در پزشکان کدور مکلفند آبله کوبی بکنند آنوقت مجازات متخلف را خلاقی قرار داده اند روی این اصل اگر بفهمیم بدایه اهمیت این ماده چقدر است می بینیم سه روز حبس خلاقی همین شده پس بنا بر این اهمیت و مقام این دستوروی که اینجا داده است باید از درجه خلاقی است پس بنظر بنده خلاقی قرار دادن این مجازات این قانون را کوچک بکنند و یک قسم دیگری که در اینجا دارد این است که میگوید مدیران دبستان و متصدیان بنگاههای عمومی که فقط کواهی آبله باید از شاگردان و کارمندان مطالبه بکنند و تغلف کرده اند و اگرهای مطالبه نکرده اند این کتب خلاقی است که مجازاتش خلاقی است آنوقت در مقابل این یک نفر پزشک هم که در موقع شروع مرض که تمام اطفال دارد از بین میروند باو مراجعه کرده اند و آبله کوبی را قبول نکرده اینهم مجازاتش خلاقی است و بین این دو تا تساوی است در صورتیکه این دو جرم است و باید از هم تفکیک بشود بقدر بنده اساساً در تمام این قانون این بهترین ماده است برای اینکه پیش بینی شده است که از این آفتابان مخصوصاً پزشکها از کمک و مساعدشان استفاده شود که آبله کوبی را بکسانی که در موقع شیوع قبول کنند و بنده میخوانم اینجا یک توضیحی عرض کنم خوشبختانه در نتیجه ترفیعی که در تمام شئون اجتماعی ما پیدا شده و احتیاجات ایجاد کرده برای تمام اشخاص از بازگانی تا کسبه و بقال سر کوچه یک مقررات مخصوصی وضع شده است مثلاً کسبیت به یازده سال قبل و کلای ذل کسبیت را مقابله کنیم

قرار بدهیم لیکن دیگری که باید خدمتتان عرض کنیم اینست که ما باید حوصله و یک نفر بنام این قانون را تهیه کرده ایم که پس از اینکه لایحه تهیه شد یک عده از آقایان پزشکان مطالعه کرده و دادند بدین دیگر که غیر پزشک بودن پیدا آمد وزارت دادگستری آنها هم مطالبات خودشان را کردند و تمام جواب و اطراف کار را مطالعه کردند و آمدند بکمیسیون و بطور اجمال یک نکته را نیز لازم میدانم عرض کنم و آنست که واقعاً پزشکان و طبایع خودی را خوب بداند و بداند که چه باید بکنند بجز در جایی که برای او خیلی است یک جرم بکنند واهی هم برای او که در چارک نوشته شود کافی است همینطور که عرض کردم این نسبت با پزشکانی است که وظایف خودشان را انجام نمیدهند و الا آقایانیکه وظایف خودشان را انجام میدهند کاری ندارند کرد که موجب یک مجازاتی بشود در وقت اینکه مجازات است کم باز باید در کمیسیون مطالعه میکنند اما راجع بکار پزشکان اشاره نکردم برای صنوف مختلفه و رشته های این آقایان بنده بآقا وعده میدهم که موضوع در وزارت کشور و بوداری کل مورد مطالعه است و امیدوار هستم که بزودی یک قانون تهیه کرده و به مجلس بیاوریم که بنظر آقا نامجن شود و دفع نگرانی شود.

و رئیس - آقای دکتر ادوم.

دکتر ادوم - بعد از فرمایشاتی که جناب آقای وزیر کشور بیان فرمودند بنده دیگر عرض مهمی ندارم آنچه باید بفرمایند فرمودند در اینکه میان هر جامعه و صنفی ممکن است اشخاصی پیدا شوند که بواسطه خودشان عمل میکنند و همینطور که فرمودند در هر صنفی ممکن است اشخاصی باشند که بواسطه خود عمل کنند و بنظر بنده ممکن است در میان و کلام دادگستری نیز اشخاصی یافت شوند که بهرچیز بواسطه خود آشنایانند به اینکه بطور کلی مقرر استند گفته شود در میان آقایان پزشکان ممکن است اشخاصی پیدا شوند که بواسطه خودشان عمل میکنند ولی در بعضی موارد بطور کلی پزشکان دوره در طرف طبیبان

و طرف توجه و طرف تکریم عموم بوده اند و تصور نمیکند یک طبیب شرافتمندی پیدا شود درمواضعی که محتاج بآداب باشد از خدمت و مساعدت و کمک به بهداشت عمومی یا مردم و یا به کس که اگر اتفاقاً یک همچو شخصی پیدا شود و بشود گفت کلاً هم اینطور هستند این مسئله استقامتی است برای رعایت همین حیثیت و خرافات خودشان تصور نمیکند این مجازاتی هم که همین شد خیلی هم زیاد است و همانطور که آقای وزیر هم فرمودند یک پزشک شرافتمند حاضر نمیشود که بحدودت ولو یک ساعت جایی هم باشد برای او صادر شود یا بحدودت جایی که جرمی بدهد و همینطور که فرمودند باز هم در کمیسیون صحبت نمیکند.

و رئیس - پیشنهادات ماده ۱۶ قرائت میشود:

بنظر اینجانب ماده ۱۶ قانون شامل موضوعاتی است که باید از حیث تعیین کیفر از یکدیگر تفکیک شود لذا دو ماده بشرح زیر در اصلاح ماده ۱۶ پیشنهاد میکنم:

ماده ۱۶ - آباء کوبی در دو ماده اول ولادت و تجدید آن در ۷ سالگی ۱۳ سالگی و ۲۱ سالگی مطابق آیین نامه مخصوص اجباری است و ارباب اختلال موظفند که برای آباء کوبی کودکان خود اقدام نمایند.

و مدیران دبستان و دبیرستان و آموزگاران و ادیبان که در موقع ورود دانش آموزان در دفاتلی که بوداری کل اعلام میکنند بکتاب بنشانه های ملی و دولتی و بازرگانی در موقع استخدا کارمندان و شاگرد باید کوهی آباء کوبی مطالعه نمایند و متخلفین از این امر و همچنین ارباب اختلال که تا یک ماه پس از آگاهی بوداری بآباء کوبی مطایقه که زیر سرپرستی آنها است و با بندهد مایه کوبی اقدام نمایند بکیفر خلافی مطابق آیین نامه محکوم خواهند شد.

ماده ۱۶ مکرر - در موقع شروع بهماری آباء بوداری کل آباء کوبی عمومی و اجباری را اعلام میکنند و در این مورد کلیه پزشکان کشور موظفند اشخاصی را که برای این امر مراجعه میکنند برای یکس آباء کوبی نمایند و پزشک

متخلف از این امر از ۶ تا ۱۲ ماه زندانی ناوابسته محکوم خواهد شد. دکتر جوان

رئیس - بکمیسیون رجوع میشود.

[۳ - اعلام نتیجه انتخاب نماینده طبیب اسکاتس]

رئیس - نتیجه انتخاب دوفتر نظار بانک قرائت میشود. مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی

نتیجه استیضاح بر گهای آراء راجع بانقلاب دوفتر نظار ذخیره اسکاتس بانک ملی که در جلسه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۰ اخذ رأی بعمل آمده بشرطی است که در زیر عرض میشود: شماره آراء گرفته شد ۱۰۶۱ - شماره حضار در وقت اعلام اخذ رأی ۱۰۶۱.

جائز این اکثریت: آقای مؤید احمدی ۷۸ رأی آقای

لیقوانی ۷۱ رأی.

آقایان سزوار - طالتس - دکتر - میس - یک پور محمد آخوند - طوسی - افشار - اندازی هریک یک رأی داشته اند. ۱۷ هر یک هم سلبند بوده است.

رئیس - آقایان مؤید احمدی و لیقوانی برای ذخیره اسکاتس معین شدند.

[۵ - موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - انصوب میفرمایند جلسه را ختم کنیم. جلسه آقای روز یکشنبه چهارم مرداد سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه موجوده.

[مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد] رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری